

• کورش نوروز مرادی

کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی

KN-moradi@yahoo.com

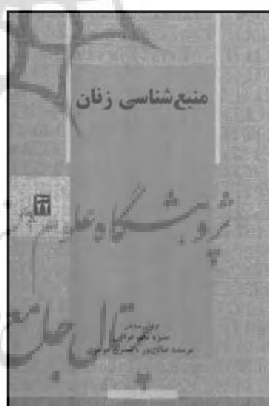
منبع‌شناسی زنان یک کتابشناسی گذشته‌نگر است که به گردآوری شناسه کتاب‌ها و مقالات در موضوع زنان در دو دهه اخیر پرداخته است. مداخل این کتابشناسی شامل آثاری است که در اوایل دهه شصت تا اواخر دهه هفتاد در ایران به زبان فارسی منتشر شده‌اند. این اثر از لحاظ کمیت بیش از شش هزار مدخل را که در قالب کتاب و مقاله در دوره زمانی فوق‌الذکر در ایران منتشر شده، بصورت توصیفی معرفی می‌کند. مدخلهای این کتابشناسی از نظر دامنه موضوعی، شامل هر موضوعی است که در مورد زنان نوشته شده است نه آثاری که توسط ایشان نشر یافته باشد. زیرا بسیاری از مقالات و کتابهایی که پدیدآورنده آنها زن هستند، ممکن است در محدوده دامنه موضوعی فوق‌نباشند، بنابراین دایره این مجموعه نیز نمی‌گنجد. از آنجایی که هدف تدوین یک کتابشناسی تنها راهنمایی یک محقق به محتوای متون نیست، بلکه یاری نمودن او برای دریافت راه خود در میان انبوه روز افزون اطلاعات نیز هست در این کتابشناسی نیز سعی شده تا پژوهشگران را تا همان اندازه آگاهی دهد که در زمینه موضوعی مرتبط چه چیزی نوشته شده است. در این اثر مداخل کتاب‌ها تا حد اطلاعات توصیفی مدارک و در مداخل مقالات به اطلاعاتی چون نام پدیدآورندگان و مترجمین (در صورتی که پدیدآورنده یا مترجم داشته باشد)، عنوان مقالات و ارجاع به مأخذ، بسنده شده است.

به نظر می‌رسد این کتاب نه تنها برای پژوهشگران حوزه زنان، بلکه برای همه بانوان که به نحوی تمایل دارند با تجارب و دغدغه‌های مشترکشان به طور فهرست‌وار آشنا شوند تا حدودی مفید واقع گردد. گردهم‌آیی چند تن از زنان به طور خود جوش برای ارتقای آگاهی خود در زمینه مسائل زنان و دل‌بستگی ایشان به کسب هویت مستقل و نیز علاقه‌مندی به افزودن دانش عمومی‌شان موجب شد تا نخست کتابخانه‌ای تخصصی در زمینه زنان و سپس مؤسسه‌ای به نام «اطلاع پژوهان فروغ» در سال ۱۳۷۶ اعلام موجودیت نماید، که هدفش جمع‌آوری آثار مکتوب درباره زنان و ارائه خدمات اطلاع‌رسانی به دانشجویان، پژوهشگران و علاقه‌مندان و نیز مشاوره در زمینه منابع و پژوهش‌های مربوط به مسائل زنان بوده است.

معرفی مواد خام پژوهش در زمینه موضوعی زنان که اساسی‌ترین نیاز مراجعین و مخاطبان این مؤسسه بود موجب شد تا مقدمات تدوین این مجموعه فراهم گردد، حرکتی که بخش مهمی از اهداف این مؤسسه غیر دولتی را نیز تأمین می‌نمود. منابع اولیه این اثر، شامل آثاری است که در همان کتابخانه تخصصی زنان موجود بود. گستردگی موضوع موجب شد تا مولفان،



منبع‌شناسی زنان



■ نجم عراقی، منبّه؛ صالح پور، مرسده، موسوی، نسترن / منبع‌شناسی زنان
تهران: نشر دیگر، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۶۹۱ ص،
فارسی، قطع رقی، شمیر.



هم‌موضوع را بشکنند و برخی از جنبه‌ها مانند نقد و بررسی شعر، تألیفات زنان شاعر و داستان نویس و... را به عمد در این کتابشناسی لحاظ ننمایند، و هم از نظر زمانی فقط آثاری را که در دوده‌آخیر در ایران نشر یافته جستجو نمایند.

جای ارج گذاری است که پدیدآورندگان خود در پیش گفتار اثر اذعان داشته‌اند که پوشش این کتابشناسی در همین دایره زمانی نیز با محدودیت‌هایی دیگر روبه‌روست، نخست آنکه این کتابشناسی تنها آن دسته از منابعی را در بردارد که فقط نسخه‌ای از آن در نزد پدیدآورندگان موجود بوده است. دوم نشریات ادواری به استثناء مجله «پیام زن» که در شهرستان‌ها انتشار یافته نیز از این دایره برکنار مانده است. چندان نباید انتظار داشت وقتی کتابشناسی منابع نه چندان قدیمی بلکه منابع هفده، هجده سال گذشته را به طرز وحشتناکی ناقص مورد پوشش قرار می‌دهد، از منابع فارسی و غیر فارسی‌زبان ایرانیان خارج از کشور صحبتی به میان آورد. زیرا از حجم انبوه این مواد در کشورهای مختلف، به تعداد انگشت شماری از آن را می‌تواند در کتابخانه ملی کشور مشاهده نماید، هر چند فراهم‌آوری این نوع مواد نیز در آیین‌نامه سیاست فراهم‌آوری و مجموعه سازی گنجانده شده باشد.

به هر حال شاید فقدان پژوهش‌های ایرانیان خارج از کشور و یا پژوهش‌های ایرانی خارج از کشور در آرشیوها و کتابخانه‌های داخل، مهم‌ترین دلیل پدیدآورندگان این اثر در عدم پوشش اطلاعات این نوع مواد باشد.

از نظر نوع این کتابشناسی آثار ترجمه در زمینه زنان را نیز مورد پوشش قرار داده و به طور کلی تکمیل‌کننده کتابشناسی‌ها و مقاله‌شناسی‌هایی چون فهرست مشترک کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های زنان و آموزش (یونیسیف، ۱۳۷۳) و زن در آیین مطبوعات (تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۶) می‌باشد. از پدیدآورندگان این اثر پژوهش‌هایی چون زن و سینما (تهران، روشنگران، ۱۳۷۷)، زن و ادبیات (تهران، نشر چشمه، بی تا)، فهرست گزیده منابع مطالعاتی زنان (تهران، مؤسسه اطلاع پژوهان فروغ، ۱۳۷۸) و ترجمه جامعه‌شناسی زنان (تهران، نشرنی، ۱۳۸۰) بیشتر به چاپ رسیده است. ساختار این کتابشناسی بر حسب تقسیم بندی موضوعی است و از افتخارات پدیدآورندگان این اثر آن است که در تعیین سر عنوان‌های اصلی و فرعی از هیچ اصطلاحنامه و تزاروسی پیروی ننموده و تن به سیاست رسمی و رایج نداده‌اند بلکه عطای شیوه‌ها و دستورالعمل‌هایی که با تکیه بر پذیرفتن آن چه «عمومیت» یا

«اکثریت» دارد و علمی است را به لقایش بخشیدند. زیرا اعتقاد دارند در غیر این صورت ممکن بود برخی از موضوعات به کلی نادیده گرفته شوند. از آنجایی که این کتابشناسی متکی به تنوع‌نیازهای درخواست‌کنندگان است، شکل‌گیری فصل‌های آن چندان قابل پیش‌بینی نیست و تابع ماهیت زنده آن قرار گرفته است.

این کتابشناسی شامل بیست سر عنوان اصلی موضوعی و سی و هفت سرعنوان موضوعی فرعی است. ترتیب سرعنوان‌های اصلی و فرعی در این کتابشناسی به شکل زیر است: آمار، آموزش، ادبیات با زیر گروه‌های [زبان‌شناسی، نقد و بررسی ادبیات داستانی، اقتصاد، کلیات اشتغال و بیکاری، توسعه و فقر، زنان سرپرست خانوار، کارخانگی، اندیشه، کلیات، فمینیسم] تاریخ با زیر گروه‌های [کلیات، تاریخچه جنبش زنان] جامعه‌شناسی و فرهنگ با زیر گروه‌های [کلیات، آرایش و پوشش، بزه‌کاری و اعتیاد، خانواده، ازدواج، طلاق، خشونت، دخترچه، مشارکت اجتماعی] حقوق، دین با زیرگروه‌های [اسلام، ادیان دیگر]، رسانه‌ها با زیرگروه‌های [رادیو و تلویزیون، نشر، کتابداری و روزنامه‌نگاری]، روان‌شناسی و روان‌کاوی، زنان ملل دیگر، زندگی نامه و خود زندگی نامه، سیاست با زیرگروه‌های [کلیات، ایران، پناهندگی و مهاجرت]، علم و فناوری با زیرگروه‌های [کلیات، بهداشت، پزشکی و تنظیم خانواده]، گردهم‌آبی‌ها، سازمان‌ها و قطع‌نامه‌ها، محیط زیست، مراجع، مطالعات بومی باز زیرگروه‌های [کلیات، روستایی و عشایری]، معلولیت، ورزش، هنر با زیر گروه‌های [کلیات، تئاتر، سینما، عکاسی، موسیقی، هنرهای تجسمی] و در بخش پایانی کتاب نیز فهرست اسامی پدیدآورندگان مداخل به ترتیب الفبای حرف به حرف درج شده است.

در تنظیم مداخل‌های این اثر کوشیده شده است ابتدا مداخلی که تاریخ انتشار ندارند را در آغاز هر فصل بگنجانند، سپس منابع دیگر را بر حسب تقدم تاریخی مرتب نمایند. در ترتیب تاریخی نیز ابتدا منابعی را که سال انتشار آن ثبت شده و سپس سایر منابع را نیز بر حسب فصل، ماه و روز انتشار مرتب نموده‌اند. منابعی که از نظر موضوعی و تاریخی در یک گروه قرار گرفته‌اند را بر حسب الفبای نام پدیدآورندگان و در صورت فقدان پدیدآورنده، آن را بر حسب الفبای عنوان مدرک تنظیم نموده‌اند. سلسله مقالات را نیز با ارجاع مناسب به دو یا چند منبع اصلی در یک مداخل گنجانده‌اند. در پاره‌ای از مداخل که تنها یک موضوع را فرامی‌گیرند بلکه به موضوعات متعدد می‌پردازند با ارجاع به مفهوم «نیز نگاه کنید



منبع‌شناسی زنان از نظر شکلی در هیأت مناسبی منتشر شده است. حروفچینی، صفحه آرایی، و فصل‌بندی مناسب همراه با طرح جذاب روی جلد به کتاب گرمی بیشتری بخشیده است. این اثر ۶۹۱ صفحه‌ای که به اشتباه تعداد صفحات آن در فیبا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار) ۲۷۰ صفحه درج شده است با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و به قیمت ۴۰۰۰ تومان توزیع گشته است.

نخستین ابهام در این کتاب ابهام در عنوان آن است، منبع‌شناسی واژه‌ای است که با متن اثر چندان سازگار نیست پیشنهاد می‌شود به جای آن می‌توانستند واژه اخص چون کتاب‌شناسی را برای عنوان کتاب برمی‌گزینند. زیرا در درجه نخست واژه منبع‌شناسی این مفهوم را در ذهن ایجاد می‌نماید که به معرفی منابعی چون مجلات تخصصی زنان و یا پایگاه‌های اطلاعاتی ویژه زنان و یا حتی دایرةالمعارف‌های تخصصی موضوع فوق پرداخته‌اند. این کتاب از نظر ساختار روشن‌مند نیست زیرا فاقد یک نظم منطقی و فلسفی است، به طور مثال برای موضوع اصلی «ادبیات» موضوعات فرعی چون اقتصاد، اشتغال و بیکاری، توسعه و فقر، زنان سرپرست خانوار، کارخانگی، آورده‌اند که از نظر موضوعی هیچ ارتباط منطقی موضوعی بین‌شان مشاهده نمی‌گردد.

از میان فصل‌های بیست گانه کتاب فصل و موضوع «مراجع» جالب‌ترین بخش کتاب محسوب می‌شود. زیرا به نوعی کتاب‌شناسی کتاب‌شناسی‌های زنان است. با رجوع به این بخش درمی‌یابیم که تاریخ کتابنامه و کتاب‌شناسی نویسی زنان ایرانی به نوعی ضعیف عمل کرده است و نیاز به یک بازنگری مجدد دارد. باگذری به سابقه منابع مکتوب ویژه زنان در نشریات ادواری تخصصی و نیمه تخصصی و عمومی درمی‌یابیم که نزدیک به یک قرن از فعالیت نخستین زنان ایرانی در این کتاب‌شناسی‌ها نادیده گرفته شده است. اما درعوض منابع مربوط به سه یا چهار دهه اخیر بارها و بارها و آن هم به شکل شیر بی‌یال و کوپال در هیأت مقاله‌نامه، کتابنامه، کتاب‌شناسی و بانک‌های اطلاعاتی معرفی شده است.

کتاب منبع‌شناسی زنان نیز در این میان استثناء قرار نگرفته بلکه این اثر نیز متأسفانه همانند هموعانش بسیاری از آثار ارزشمند را نادیده گرفته است. ای کاش پدیدآورندگان منبع‌شناسی زنان به جای معرفی آثار تقریباً جاری انجام کار سترگی چون معرفی رسائل و نسخ خطی ویژه زنان، مقالات روزنامه‌ها و مجلات دوره قاجار، کتب چاپ سنگی و سرب‌مختص زنان و... را که جایش در میان زنان ایرانی خالی است نائل می‌آمدند. امید است پدید آورندگان ساعی محترم در جلد‌های بعدی موارد فوق را لحاظ نمایند.

به آن را در فصل و موضوع دیگر کتاب نیز آورده‌اند. این کتاب‌شناسی نیز مانند بسیاری کتاب‌شناسی‌های دیگر، از ذکر القابی چون دکتر، مهندس، پرفسور و... برای پدیدآورندگان کتاب و مقالات خودداری نموده است، برای سهولت دستیابی به مداخل موضوعی فصل‌های کتاب به استثناء کلیات همه موضوعات اصلی و فرعی این کتاب به نظم القابیی مرتب گشته است.

از آنجایی که این کتاب‌شناسی خود را تکمیل‌کننده کتاب‌شناسی‌هایی می‌داند که در این زمینه موضوعی پیش از این منتشر شده است، اما با رجوع به آنچه پیشینیان منتشر نموده‌اند می‌بینیم که از نظر زمانی، کتاب‌شناسی و مقاله‌نامه‌هایی دیگر نیز همین محدوده زمانی را مورد پوشش قرار داده‌اند و به عبارتی هم‌پوشانی دارد. کتاب «فهرست موضوعی کتب و مقالات درباره زنان» که در سال ۱۳۶۳ توسط وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر گردید به معرفی ۲۴۶ مدخل کتاب و ۱۸ مقاله در چهار بخش مقام و حقوق زن، زن و خانواده، زن و جامعه، زن و تاریخ تا سال ۱۳۶۳ پرداخته است. آقای مجید فرحزادی نیز در «کتاب‌شناسی آثار مذهبی زنان ایران» ۲۵۶ مدخل کتاب در موضوع دینی و اسلامی را در همین محدوده زمانی تا سال ۱۳۷۲ شمسی معرفی نموده‌اند. و بالاخره در سال ۱۳۶۸ «مقاله نامه زن» توسط مریم علی‌آبادی... [و دیگران] زیر نظر عبدالحسین آذرنگ و محمدحسن رجیبی ۲۷۵۷ مقاله قبل و بعد از انقلاب در زمینه موضوعی مربوطه را مورد پوشش قرار داده‌اند و غیره... به نظر می‌رسد اثر فوق الذکر از نظر ساختار و نظم در میان آثار مشابه خویش بهتر عمل نموده است. «مقاله نامه زن» با ساختار رده‌بندی دیویی با فهرست‌واره‌های مناسب پایان کتاب و سهولت دستیابی به مداخل مورد نظر می‌تواند، الگوی مناسبی برای آثار مشابه قرار گیرد.

بزرگ‌ترین تمایز کتاب منبع‌شناسی زنان با آثار مشابه منتشر شده آن است که توسط بخش خصوصی تدوین شده است. زیرا سایر کتاب‌شناسی‌های منتشر شده به نحوی توسط سازمان‌های دولتی و نیمه دولتی تهیه و تدوین گشته است. کتابنامه زن توسط جامعه زنان انقلاب اسلامی ایران، مقاله‌نامه زن توسط دفتر پژوهش‌های فرهنگی وابسته به مراکز فرهنگی - سینمایی، فهرست موضوعی کتب و مقالات درباره زنان توسط وزارت ارشاد، زن در آئینه مطبوعات توسط مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌های وزارت ارشاد، و... همگی به شکلی از حمایت‌های دولتی برخوردار بوده‌اند.